



نشریه اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ذکاء

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

شماره : 20

تاریخ: 2014/1/1

فص برای دانشجویان

## (فَسْوَتْ قَلْبَ)

قلب آدمی هم مؤثر عظیم است بطوریکه ندای آن مانند آذیر خطر به گوش صاحبش طنین می افکند، و هم متأثر عجیب است به نحویکه آلودگی های معاصی به سرعت مگر و سیاهش میکند.

پیامبر اسلام علیه الصلاة والسلام در ادامه حدیثی که ابو عبدالله نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت میکند، فرمود: [أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مَضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ] (آگاه باشید که در بدن آدمی پارچه گوشتی است که هر گاه بصلاح آمد و شایسته شد، شایسته میگردد همه بدنش و هر گاه آن پارچه گوشت فاسد شد، به تباهی میرود همه بدن ، آگاه باشید که آن پارچه گوشت ، قلب و دل آدمی است ) بخاری و مسلم

لذا بر مسلمان است تا به حفاظت قلب اهتمام خاصی ورزیده و بطور مستمر و با کمال عنایت و اخلاص از سوء نیات و اعمال زشت حفظش نماید زیرا در عصریکه ما بسر میبریم ، گناه و فساد با انواع گوناگون و به شکل روز افزون وارد حیات بشر گردیده و انسان را به وحشت قلب مبتلا نموده ، میان وجدان و حق ، حایل می گردد.

چون قلب مومن قابلیت تأثیرپذیری از کلام الله و موعظه پیامبر علیه الصلاة والسلام را دارد، لذا بعید از هرگونه بیماری بوده و سلیم محسوب می گردد، ولی شخص کافر و منافق که از کلام رب العالمین و رسولش تأثیرپذیر نمی شود در حقیقت فاقد حیات بوده ، قلب میت دارد باید دانست که برخی قلبها دارای یک نوع شبهه و یا شهوت و یا هر دو می باشند، ولی در عین حال آثار خیر هم کاملاً محو نگردیده است که قلبهای مذکور بیمار به شمار می آیند و این مرض را فسوت قلب می نامند که میزان و درجه آن از یک شخص تا شخص دیگر متفاوت است.

مسلمان بایست با ذکر الله و تلاوت قرآن دلش را نرم نموده ، و به خشوع و زاری پردازد، و مانند اهل کتاب نباشد که با اهمال قلب و گذشت زمان ، غفلت به آنها استیلا کرده و دلهای شان سخت شد که بالاخره به نافرمانی و عصیان انجامید.

الله سبحانه می فرماید: [ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ] (آیا وقت آن برای مؤمنان فرا نرسیده است که دلپایشان به هنگام یاد خدا ، و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است ، بلرزد و کرنش برد ؟ و آنان همچون کسانی نشوند که برای آنان قبلاً کتاب فرستاده شده است و سپس زمان طولانی بر آنان سپری گشته است ، و دلپایشان سخت شده است ، و بیشترشان فاسق و خارج ( از حدود دین خدا ) گشته‌اند.) الحديد- 16

قابل تعجب و تأسف است که کلام خداوند بر دل آدمی اثر نکند، حال آنکه اگر قرآن عظیم الشان بر کوهی فرود آید در اثر عظمت آیات الهی، کوه با آن بزرگیش مرعوب شده، پاره پاره می گردد: [ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ] (اگر ما این قرآن را برای کوهی فرو می‌فرستادیم ، کوه را از ترس خدا ، کرنش‌کنان و شکافته می‌دیدي ! ما این مثالها را برای مردمان بیان می‌داریم ، شاید که ایشان بیندیشند ) و با دید بینا و بینش آگاه به آیات قرآنی بنگرند و دل سنگین خود را با برق قرآن منفجر و آن را به تکان و لرزه آورند. ) الحشر- 21

پس اگر سماع کلام الله قلب را خاشع و چشم را اشکبار نکند، انسان مذکور به مرض قسوت قلب دچار شده است که علاج آن توبه نصح و اصلاح نفس میباشد.

بعضی جوانان در نخستین مجالس وعظ با کمال التزام و حماس وافر در تطبیق اوامر و اجتناب نواهی نشاط دارند، ولی پس از گذشت زمان، مصاب به ملال روحی و جسمی شده، آن همه التزام و حماس و نشاط ماضیه ورشکست شده جایش را کسالت و غفلت و عصیان می گیرد، این نوع بیماران توصیه به تقوی و مجالست نیکان و مفارقت نا اهلان می شوند آیا همنشین بد از اسلام آوردن ابوطالب جلوگیری نکرد؟

با بدان کم نشین که به مانی      خو پذیر است نفس انسانی

الله سبحانه رسولش را امر نمود که با اهل خیر مجالست ناگسستننی داشته باشد: [ وَاصِرٌ نَفْسَكَ

مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ قُرْطًا ] (با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان خدای خود را می‌پرستند و به فریاد می‌خوانند ، ( و تنها رضای ) ذات او را می‌طلبند ، و چشمانت از ایشان ( به سوی ثروتمندان و قدرتمندان مستکبر ) برای جستن زینت حیات دنیوی برنگردد ، و از کسی فرمان مبر که ( به خاطر دنیا دوستی و آرزو پرستی ) دل او را از یاد خود غافل ساخته‌ایم ، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است ( و پیوسته فرمان خدا را ترک گفته است ) و کار و بارش ( همه ) افراط و تفریط بوده است.) (الک‌هف- 28)

از اسباب قسوت قلب پی نبردن به عظمت و ثواب عبادت و عملی است که انسان بایست انجام دهد، که این جهل باعث ضعیف شدن اراده و همت می‌گردد.

فراموش نشود که فعل معاصی شدیدترین بلا و مصیبتی است که به اراده و عمل بلکه بر همه زندگانی انسان وارد می‌شود، مثلاً: اگر فروشنده ای عیب مالش را از مشتری کتمان نماید، که یک امر محرّم می‌باشد، در نتیجه این کار حرام، برکت مال محو می‌گردد: [عن أبي خالد بن حكيم بن حزام، رضی الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: البَيِّعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا، فَإِنْ صَدَقَا وَبَيَّنَّا بُورِكَ لَهُمَا فِي بَيْعِهِمَا، وَإِنْ كَتَمَا وَكَذَبَا مُحِقَّتْ بَرَكَةُ بَيْعِهِمَا ] ( از ابو خالد حکیم بن حزام رضی الله عنه که در سال فتح مکه ایمان آورد و پدرش از بزرگان قریش در زمان جاهلیت و اسلام بود، روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر دو معامله کننده (فروشنده و خریدار) اختیار دارند ( فسخ بیع را ) تا زمانی که از هم جدا نشوند، اگر راست گفتند و بیان نمودند در معامله‌ء شان برکت نهاده می‌شود و اگر پوشیدند و دروغ گفتند برکت معامله‌ء شان از میان می‌رود ) متفق علیه

و مثلاً بنی اسرائیل به قول و پیمان وفادار نبودند و همچنان کلام خدا را تحریف می‌کردند، لذا به عقوبت لعنت یعنی طرد و ابعاد از رحمت و قسوت قلب گرفتار شدند: [ فِيمَا نَقُضُوا مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوهُنَّ لَمَّا كَانُوا فِيهَا عَصِيْبًا ] (و ما به سبب پیمان شکنی ایشان ، آنان را نفرین کردیم و از رحمت خود محروم داشتیم و دل‌هایشان را سخت نمودیم ( به گونه‌ای که دلیل

و اندرز بدان راه نمی‌یافت ) . آنان سخنان را تحریف و بخش فراوانی از آنچه ( در تورات بود و ) بدیشان تذکر داده شده بود ، ترك کردند . ( این خوي پلید هنوز هم در چنین قومي وجود دارد و تو ) همیشه می‌توانی خیانتی ( تازه ) از آنان ببینی ، مگر عده کمی از ایشان ( که به تو ایمان آورده‌اند و خیانت‌پیشه نیستند ) . پس از آنان درگذر و ( بدسگالیه‌ها و دورویی‌هایشان را ) نادیده بگیر ، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد . (المائدة - 13

عبدالله بن مبارک می گوید:

رَأَيْتُ الدُّنُوبَ تَمِيَّتُ الْقُلُوبَ	وَقَدْ يُورِثُ الذَّلَّ إِدْمَانُهَا
دیدم گناهان را که می میراند دلها را	و خواری و ذلت را به میراث می گذارد مداومت کردن آن
و تَرَكَ الدُّنُوبَ حَيَاةَ الْقُلُوبِ	و خَيْرٌ لِنَفْسِكَ عِصْيَانُهَا
و ترك گناهان حیات دلهاست	و خیر است به نفس تو نافرمانی آن

عملکردهای ظاهری انسان بازتاب و انعکاس احساسات باطنی او میباشد، از نظر ماهران مکتب هنری و ادبی اکسپرسیونیسم (expressionism) که گویای حالات ذهنی هنرمند است و عواطف و احساسات درونی او را مینمایاند، کسانیکه از معنویت پرعاطفه و نرم برخوردارند، در آفریدن صنایع مستظرفه ید طولا دارند.

اصلاح قلب باعث گسترش روح و نشاط عمل میگردد ولی فساد قلب هر دو را بی طراوت می کند، و تغافل و عصیان توأم با طول زمان سبب کدر و سیاهی دل شده، چنان حالتی را بر سر انسان می آورند که از آن هراس دارد.

پس راه حل هر مشکل و درمان هر بیماری تمسک جستن به وحی الهی می باشد، زیرا نسیمی که از صبح وحی برخاسته، قلب را از غفلت بیدار و از محبت سرشار نموده و دنیای انسان را بوستان و گلستان پر ثمر میکند.

برای ابتعاد از قساوت قلب به نکات ذیل توجه گردد:

1- پایبندی و استمرار به عبادات: در این صورت درجه ایمان بلند تر میشود و مراتب فهم و اتقان رشد بیشتر می یابد.

اللّٰهُ مَتَعَالَى مِی فَرْمَايِد: [هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا] ( خدا است که به دلهاي مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر



داده است تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند ( و یقین و باور خویش را تقویت نمایند ) . لشکرهای آسمان و زمین از آن خدا است ، و خداوند بس آگاه و فرزانه و با حکمت است). فتح- 4

2 - تلاوت قرآن عظیم الشان: این عمل از قوی ترین اسباب حیات قلب به شمار رفته و ایمان و یقین را استوار نموده و بالاخره مؤمن را به مراتب عالیة بصیرت و توکل و نیایش فائز می گرداند.

[إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ] ( مؤمنان ، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود ، دل‌هایشان هراسان می‌گردد ( و در انجام نیکیها و خوبیها بیشتر می‌کوشند ) و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می‌شود ، بر ایمانشان می‌افزاید ، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند ( و خویشتن را در پناه او می‌دارند و هستی خویش را بدو می‌سپارند ) . انفال -2

در اثر تلاوت، بکنوع کیفیت خوف و امید بر دل مؤمن طاری شده، روح و بدنش توأم با نیایش و اطمینان و اعتماد تسلیم اوامر می شوند [اللَّهُ تَزَلَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مّتَابِرًا تَفْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ] ( خداوند بهترین سخن را ( به نام قرآن ) فرو فرستاده است . کتابی را که ( از لحاظ کاربرد و گیرائی الفاظ ، و والائی و هم‌آوایی معانی ، در اعجاز ) همگون و ( مطالبی چون مواظ و براهین و قصص ، و مسائل مقابل و مختلفی همانند : ایمان و کفر ، حق و باطل ، هدایت و ضلالت ، خیر و شر ، حسنات و سیئات ، بهشت و دوزخ ، البته هر بار به شکلی تازه و به شیوه‌ای نو ، در آن مکرر است . از ( شنیدن آیات ) آن لرزه بر اندام کسانی می‌افتد که از پروردگار خود می‌ترسند ، و از آن پس پوست‌هایشان و دل‌هایشان ( و همه وجودشان ) نرم و آماده پذیرش قرآن خدا می‌گردد ( و آن را تصدیق و بدان عمل می‌کنند ) . این ( کتاب مشتمل بر ) رهنمود الهی است و خدا هر که را بخواهد در پرتو آن راهیاب می‌سازد ، و خدا هر که را گمراه سازد ، اصلاً راهنما و راهبری نخواهد داشت). زمر - 23

3 - مجالست اهل فضل و تقوی و خیر:

اللَّهُ متعال می فرماید: [وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا] ( با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان خدای خود را می‌پرستند و به فریاد می‌خوانند ، ( و تنها رضای ) ذات او را می‌طلبند ، و چشمانت از ایشان ( به سوی ثروتمندان و قدرتمندان مستکبر ) برای جستن زینت حیات دنیوی برنگردد ، و از کسی فرمان مبر که ( به خاطر دنیا دوستی و آرزو پرستی ) دل او را از یاد خود غافل ساخته‌ایم ، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است ( و پیوسته فرمان

خدا را ترك گفته است ) و كار و بارش ( همه ) افراط و تفریط بوده است ). كهف - 28

4 - ابتعاد از گناه: امير المؤمنين عثمان بن عفان رضی الله عنه فرمود:

[ لو طهرت قلوبكم ما شبعتم من كلام الله عزوجل ] (اگر قلبهائتان پاک شود، از كلام خداوند سیر نمی شوید)

حسن بصری می گوید: [ إذا لم تقدر علی قیام الیل ولا صیام النهار فاعلم أنك محروم، قد کبلتک الخطایا والذنوب ] (هر گاه از طرف شب نماز تهجد بر پا نتوانی و از طرف روز روزه (نفل) گرفته نتوانستی، بدان که محروم هستی و خطاها و گناهان ترا در بند انداخته اند) (اسیر بند گناهان شده ای ) .  
بیاد داشته باشیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: [ لا تكثرُوا الکلام بغیر ذکر الله، فإن كثرة الکلام بغیر ذکر الله قسوة للقلب، و إن أبعد الناس من الله القلب القاسی ] (کلام به غیر از ذکر خداوند را زیاد نکنید، پس هر آئینه کثرت کلام به غیر از ذکر الله قسوت برای قلب است و هر آئینه دورترین مردمان از خداوند قلب سخت است ) ترمذی  
همچنان از کوچک پنداشتن گناه و نادیده گرفتن خطر آن خود داری شود.

شاعری گوید: [ لا تحقرن من الذنوب صغیراً انجن فرهنگ ] (ان الصغیر غداً یعود کبیراً )

( کوچک و نادیده مگیر از گناهان، گناه صغیره را بدون شک این کوچک فردا بزرگ شده بر می گردد )  
5 - امید و حسن ظن داشتن به خداوند متعال و ملامت کردن نفس و اینکه الله سبحانه برایش خیر خواهد و بر احدی ظلم روا نمی دارد: [ مَا یُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ] (سخن من ( مبنی بر عذاب دادن کافران و نعمت رساندن به مؤمنان ) تغییرناپذیر است و دگرگون نمی شود ، و من کمترین ستمی به بندگان نمی کنم). ق - 29

6 - زیارت کردن قبور: [ عن بریده، رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها ] (از بریده رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم، از این به بعد آنها را زیارت کنید ) مسلم  
و در روایتی آمده: پس هر آنکه بخواهد قبرها را زیارت کند به زیارت برود، زیرا زیارت قبرها وی را بیاد آخرت می اندازد.

زمانی که انسان سری به قبرستان میزند، در آنجا اقارب و دوستان خویش را می یابد که دیروز با وی یکجا می نشستند و صحبت می نمودند ولی امروز جایگاه آنها مقبره است، پس این احساس و شعور در وی ایجاد می شود که خواهی نخواهی مسیر و مأواى او نیز مانند مسیر و مأواى رفیقان دیروز است، بدون شک اثر با عبرت بر قلبش می گذارد.

شاعری گوید:

ای دوستان چو بر سر خاکم گذر کنید  
در خاک من به دیده عبرت نظر کنید  
عمر عزیزم به بی وفایی رفت  
شبم به غفلت و روزم به خود ستایی رفت

پیامبر بزرگوار فرمود: [ ما رأیت منظرا قط إلا و القبر أظع منه ]

( هیچ منظری را ندیدم مگر اینکه قبر وحشتناک تر از آن بود ) ابن ماجه

انسان های سنگدل از احساس آواز حال اقارب و احباب که از سکوت قبرها به سمع قلب می رسد، و از بی ثباتی دنیا می نالند، محروم اند.

اگر نجوای محرمانه عاشقان پاک و عارفان حق را بشنویم، قلبهای ما نیز ترک ماسوی الله نموده و با آنها هم آواز و همنوا شده، شعر ابوالمعانی ( بیدل ) را زمزمه خواهند کرد که می گوید:

( ای و هم غیر ما را معذور دار و بگذرانی اسلامی دل خانه اینجا نتوان بزور جا کرد )

قلب پاک صاحبش را ملتهبانه بسوی حقایق ماورایی می کشاند، و مانند درختی است که میوه هایش صفات متعالی می باشد و انسان به اعتبار صفات حسنه اش که از قلب پاک و زنده ناشی می شود انسان است و نه بخاطر اینکه انسان آفریده شده است پس صاحبان قلبهای مرده، مردگان زنده نما هستند.

حاجت رضا علی خطیب